

در نهم جمادی الاول ۷۸۶ در دمشق

اولین ولی فقیه تاریخ اسلام به حکم روحانیون گردن زده شد!

"محمد بن مکی" را که به "شهید اول" در راه ولایت فقیه مشهور شده، علمای اسلام مرتد اعلام کردند و حاکم دمشق او را مروج جنگ شیعه- سنی اعلام کرد. بدین ترتیب اولین ولی فقیه را در نهم جمادی الاول ۷۸۶ با شمشیر گردن زدند و سپس جنازه اش را برای سنگسار به دار آویختند و سرانجام نیز آن را سوزاندند. پیروان محمد مکی خون اهل سنت را حلال می شمردند و نکاح متعه (تمک موقت زنان- چیزی شبیه صیغه کم مدت) را مباح می دانستند. "مکی" نخستین کسی بود که دعوی نیابت مهدی را کرد و گفت زمینه ساز ظهور وی بود.

بخش دوم نگاهی به کتاب "مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل لبنان به ایران- در عصر صفوی" را از نخستین تئوریسین "ولایت فقیه" شروع باید کرد که پس از این تئوری پردازی مذهبی، پیرانه سر، خود را نایب امام و "ولی فقیه" اعلام کرد. او با همین مسئولیت شروع به صدور فتوا کرد و نمایندگان خود را برای شهرها و ولایات بر می گزیند و حکم انتصاب می داد. او در یکی از روستاهای جبل عامل دنیا آمده بود و "محمدبن مکی" نام داشت. در کتاب "مهاجرت علمای شیعه جبل عامل... حتی ادعا می شود که از هزار عالم و مجتهد دوران درجه اجتهاد گرفته بود!

"مهدی فراهانی منفرد" در ۷۰ صفحه اول کتاب تحقیقی خود بسیار می کوشد تا از محمد بن مکی، که او را "شهید اول" (در راه نظریه ولایت فقیه) می نامند، یک چهره مبارز در برابر حکومت "ممالیک" دمشق بسازد و به نرخ روز در جمهوری اسلامی چشم بر فتوای او برای کشتن این و آن و حتی "مریدان" خود او که منتقدش شده بودند بپوشد!

زمان سرانجام تلخی را برای محمد مکی رقم زده بود. سرانجامی که با فتوای روحانیون دیگر و هم عصر او رقم زده شد. نه تنها این، بلکه برخی مریدان سابق خود او که از صف هوادارانش بیرون زده بودند، دادخواست و ادعاینامه ای بنام "صورت مجلس" تهیه کرده و نزد علمای عصر و حکومت ممالیک فرستادند و زمینه محاکمه و حکم "ارتداد" مکی، این اولین ولی فقیه را فراهم ساختند. اختلاف درونی میان هواداران مکی، با فتوایی اوج گرفت که محمد مکی برای قتل یکی از نزدیک ترین مریدان خود داد و برآشفتگی در صفوف هوادارانش را موجب شد. تقابل فتوای مذهبی و مرزبندی های دینی میان طیف گسترده شاخه های مختلف مذهبی در دین اسلام دست به دست هم داد و سرانجام تلخ "محمد بن مکی" را که از علمای شیعه دوران بود رقم زد. ابتدا فتوای اعدام او صادر شد، سپس یکسال در حبس نگه داشتند تا توبه کند. یک مرجع زمان مدعی شد که "مکی" در زندان توبه کرده است، اما مرجع دیگری که قاضی القضاة بود به این ادعا اعتنائی نکرده و چون دیگر مراجع و حتی هواداران مکی نیز از این قاضی حمایت می کردند، اجرای حکم را فرمان داد. مکی را با شمشیر گردن زدند. سپس برای سنگسار به دارش آویختند و سرانجام نیز او را سوزاندند. ریشه های روحانیون شیعه که در دوران صفویه به ایران فراخوانده شدند تا مروج تشییع در ایران شوند، و همچنین ماجرای ولایت فقیه به این حوادث باز می گردد. حال به نقل از کتاب بخوانید:

محمدبن مکی ملقب به شهید اول در روستای جزین لبنان دنیا آمد. حوالی سالهای ۷۲۰-۷۲۹. در سال ۷۵۰ از جبل عامل راهی عراق شد و در "حله" که مرکز بزرگ علمی شیعه بود، برای ادامه تحصیل مذهبی مستقر شد. چند سال بعد، از حله راهی بغداد شد و در سال ۷۵۸ از فقیه شافعی اجازه اجتهاد گرفت. به دمشق و مصر رفت و سپس راهی مکه و مدینه شد. در تمام این سفرها و اقامت ها از علمای وقت اجازه اجتهاد گرفت و گفته می شود جمعا نزد ۴۰ فقیه زمان درس خواند و از ۷۰ مرجع تقلید سنی اجازه اجتهاد گرفت. در بسیاری از رشته تحصیل کرد، از جمله "علم سحر" را نیز فرا گرفت. نقل است که وی را هزار فقیه

زمان که مرجع مذاهب پنجگانه بودند تائید و اجازه اجتهاد به او دادند! (این مربوط به دورانی است که او هنوز خود را ولی فقیه اعلام نکرده بود) محمد بن مکی را نخستین فقیه شیعه می دانند که از جبل عامل برخاست و در جهان اسلام پایگاه علمی بلند یافت.

محمد بن مکی در سال ۷۶۰ به جزین بازگشت و برای دانش مذهبی در اطراف او جمع شدند. این آغاز نقش جبل عامل در تاریخ شیعه بود. یکی از دستاوردهای محمد بن مکی طرح نظریه ولایت فقیه بود. او در هیچ کتابی بطور جداگانه به موضوع ولایت فقیه نپرداخته، اما در مقدمه کتاب ذکری الشیعه در سال ۷۸۴ به آن اشاره کرد. در کتاب المعه الدمشقیه در سال ۷۸۲ نیز مسئله ولایت فقیه را مطرح می کند. در این کتاب مجموعه از فتوای وی وجود دارد که بر بنیاد ولایت فقیه صادر شده است. خمس به نایب عام امام، یعنی فقیه جامع الشرایط در همین کتاب طرح شد، همچنان که برای نخستین بار عبارت "فقیه جامع الشرایط" را وارد فقه شیعه کرد.

بدین سان "مکی" نخستین کسی بود که دعوی نیابت مهدی را کرد و گفت بدون حضور شخص وی نمی توان نماز آدینه برپا داشت. او جمع آوری خمس و زکات را وظیفه نایب امام دانست و از این طریق بصورت پیشوای شیعیان در آمد که در میان ایشان نایب امام زمان و زمینه ساز ظهور وی بود. محمد مکی ولایت فقیه را هموار کننده ظهور امام زمان دانست. پس از مدتی با همین اندیشه نخست در شهرهای مجاور مناطق کوهستانی دست بکار شد و دور از چشم حکومت دمشق در آن نواحی از جانب خود نایبانی را برای طرابلس و دیگر شهرها تعیین کرد. این نایبان نشر اندیشه های محمد مکی در باره ولایت فقیه را شروع کردند. از جمله نایبان اسم و رسم دار و برگزیده محمد مکی، "تقی الدین خیامی" بود، که بعدها خود بر ضد محمد مکی قیام و برای دستگیری و محاکمه وی با حکومت همکاری کرد.

شماری نیروی جنگی نیز در اطراف محمد مکی جمع شدند و او را تشویق به قیام کردند. آنها همه در جریان یک شورش کشته شدند. والی دمشق در فرمانی که در سال ۷۶۴ درباره محمد مکی، نظرات و پیروان او داد نه تنها منطقه تحت نفوذ او را مشخص کرد، بلکه اشاره به تدارک وی برای راه اندازی **جنگ شیعیان علیه سنی** ها نیز کرد. عنوان آن فرمان "توقیع طویل به منع اهل صیدا و بیروت و اعمال آنها از اعتقاد رافضیه و شیعه و ممانعت از ایشان" تقریبا قلمرو نفوذ محمد مکی را نشان میدهد. پیروان محمد مکی **خون اهل سنت** را حلال می شمردند و **نکاح متعه** (تملک موقت زنان- چیزی شبیه صیغه کم مدت) را مباح می دانستند.

آنها را بعنوان قیام کنندگان علیه حکومت ممالیک سرکوب و قتل عام کردند. گفته می شود گورستانی در جاده نبطیه- قریه نبطیه- وجود دارد که همه طرفداران محمد مکی پس از سرکوب و کشتار در آن دفن شدند. از جمله یاران مشهور محمد مکی که گردن زده شد "عرفه" نام داشت و در طرابلس گردنش را زدند. محمد مکی نیز خود سرانجام از سوی حکومت ممالیک دستگیر شد و با فتوای فقهای سنی وقت تسلیم دادگاه شد.

یکی از یاران و همراهان پرآوازه محمد مکی بنام "محمد یالوشی" به حکم محمد مکی و به جرم ادعای پیامبری و استقلال از مکی کشته شد. بعدها طرفداران و مریدان یالوشی، برای دستگیری و محاکمه محمدمکی با حکومت ممالیک دمشق همکاری کردند. در راس این مریدان؛ جانشین یالوشی بنام "تقی الدین خیامی" قرار داشت که افشای محمد مکی و نظراتش در میان مردم را آغاز کرد و سپس "یوسف بین یحیی" که شاگرد "خیامی" نه تنها این افشاگری را دنبال کرد؛ بلکه با تهیه صورت مجلسی حاوی دستورات محمد مکی در مقام ولایت فقیه آن را در صیدا و بیروت و سپس دمشق به داوری نهاد.

این صورت مجلس که احکام ولایت فقیه را در بر داشت بعنوان سند محکومیت محمد مکی به امضای هفتاد تن از پیروان خود او نیز رسید. (ظاهر این مریدان، پس از کشته شدن "محمد یالوشی" به فتوای محمد مکی و فتواهائی که در همین زمینه مکی علیه مریدان طالب دلائل فتوهای وی شده بودند، علیه مکی آن صورت مجلس را تهیه کرده بودند.) این صورت مجلس را که توسط روحانیون و مریدان شیعه مکی تهیه شده بود، از سوی یکهزار فقیه سنی نیز امضاء شد و این یعنی حکم قتل مکی. آنها که این صورت مجلس را امضاء کردند حکم به مرتد شناخته شدن محمد مکی، اولین ولی فقیه شیعه دادند. از آنجا که رسم بود- براساس مذهب شافعی- مرتدان و زندیقان را یکسال مهلت توبه باید داد، محمد مکی را به جرم ارتداد از دین و طرح ولایت فقیه برای یکسال زندانی کردند. پس از یکسال قاضی "برهان الدین شافعی" فتوا داد که "محمد مکی" توبه کرده است، اما یک قاضی دیگر بنام "مالکی" این فتوا را رد کرده و فتوای اعدام محمدمکی را به جرم ارتداد صادر کرد. میان این دو فتوا، علمای وقت فتوای مالکی را تأیید کردند و مردمی که در کتاب "مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران" آنها را متعصبان معرفی می شوند؛ از فتوای دوم حمایت کردند. بدین ترتیب اولین ولی فقیه را در نهم جمادی الاول ۷۸۶ با شمشیر گردن زدند و سپس جنازه اش را برای سنگسار به دار آویختند و سپس سوزاندند.

راه توده ۲۰۳ ۲۴،۱۱،۲۰۰۸